نماز در حکومت صالحان

مهدي عبداللهي‏

»الَّذِينَ إِن مَکَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلاَةَ وَآتَوُا الزَّکَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ‏وَنَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ« (حج: 41)

قرآن کريم ويژگي مؤمنان و مجاهدان واقعي را چنين توصيف کرده است:

»آنان که چون در روي زمين توانايي‏شان دهيم، نماز را برپا مي‏دارند و زکات‏مي‏پردازند و امر به معروف و نهي از منکر مي‏کنند«.

مفهوم آيه شريفه اين است که اگر ايشان در روي زمين تمکّن و آزادي پيداکردند جامعه صالح و مدينه فاضله‏اي ايجاد مي‏کنند که نماز در آن برپا داشته‏مي‏شود. زکات پرداخت مي‏گردد و امربه معروف و نهي از منکر انجام مي‏شود.

سبب اين که از ميان عبادات، نماز و از ميان حقوق مالي، زکات در اينجامطرح شده اين است که هر کدام از اين‏ها در زمينه خودش برترين است[1] نمازسمبل پيوند با خالق و زکات رمزي براي پيوند با خلق خداست. امربه معروف ونهي از منکر نيز پايه اساسي ساختن يک جامعه سالم است.

نمونه‏هايي از اين افراد که خداوند متعال در روي زمين به آن‏ها تمکّن وتوانايي بخشيده و آنان شيفته قدرت و مغرور توانايي نشده و به برپايي نماز وعبادت همت گماشته‏اند در قرآن مجيد ذکر شده است.

نماز و عبادت در حکومت ذوالقرنين و سليمان‏عليه السلا

يکي از اين افراد ذوالقرنين است که قرآن مي‏فرمايد:

«إِنَّا مَکَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن کُلِّ شَيْ‏ءٍ سَبَباً» (کهف: 84)

ما به او در روي زمين تمکّن و قدرت بخشيديم و از هر چيز سر رشته‏اي به دست‏او داديم.

آورده‏اند که قوم خود را به پذيرش دين حق فراخواند و آن‏ها از بيم عظمت ومساحت تقريبي 20 هزار مترمربع در شهر اسکندريه بنا کنند.[1]

حضرت سليمان‏عليه السلام نيز که خداوند متعال به او سلطنتي عظيم و حکومت برجن، انس و وحوش بخشيده بود و براي هيچ کس در عالم چنين فرمانروايي‏ميسّر نشده است، با اين حال لباس مويين و زبر مي‏پوشيد و چون شب فرامي‏رسيد دست به گردن مي‏آويخت و پيوسته به عبادت مي‏ايستاد و تا صبح‏گريان بود. آن حضرت با همه آن امکانات، روزي خود را از راه زنبيل‏بافي از برگ‏نخل به دست مي‏آورد و به دست خود اين کار را انجام مي‏داد و سلطنتي که از خداخواسته بود براي غلبه بر پادشاهان کافر و ستمگر بود.[2]

يکي از کارهاي بزرگي که آن حضرت در طول دوران سلطنت خود به آن پرداخت‏بناي بيت المقدس و محلّ عبادت بود که آن را به بهترين و زيباترين صورت براي‏خدا و عبادت خدا ساخت تا بندگان خدا در آن به نماز و عبادت و ياد خدا مشغول‏شوند. در تفسير ابوالفتوح رازي آمده است:

«سليمان‏عليه السلام چون مسجد را تمام کرد، احبار بني‏اسرائيل را بخواند و ايشان رابگفت که اين براي خدا بنا کرده‏ام تا در او عبادت کنيد».

و در همان تفسير از سعيدبن مسيب نقل کرده است:

«چون مسجد را تمام کرد بفرمود تا درهاي مسجد ببستند. چون خواستندبگشايند نتوانستند. تا سليمان را وحي آمد: که بر خدا سوگند ده به نماز پدرت‏داودعليه السلام تا درها گشاده شود، همچنان کرد؛ درها گشاده شد. سليمان‏عليه السلام ده هزارمرد از عُبّاد بني‏اسرائيل نصب کرد تا در بيت‏المقدس عبادت مي‏کردند. پنج هزار به‏روز، پنج هزار به شب».[3]

در تفسير آيه شريفه إعلموا آل داود شکراً (سباء: 13) از امام‏صادق‏عليه السلام روايت شده است که هشتاد مرد و هفتاد زن بودند که محراب عبادت‏]بيت‏المقدس‏[ هيچ‏گاه از آن مردمان خالي نبود و همه اوقات شب و روز به نوبت‏1 . بحارالانوار، علامه مجلسي، چاپ ايران، 184/12.2 . همان، 8214، به نقل از ارشاد القلوب ديلمي.3 . تفسير شيخ ابوالفتوح رازي، کتاب فروشي اسلاميه، تهران، 1398 ه.، 200/9 و 201.

اهتمام به نماز از آغاز حکومت اسلامي در مدين

بناي مسجد قبا:

هنگامي که حضرت رسول‏صلي الله عليه وآله از مکّه به سوي مدينه هجرت فرمود پيش ازورود به شهر مدينه در محلّه قبيله «بني‏عمروبن عوف» که قُبا نام داشت چندروزي توقف نمود که آن را حداقل سه شب و حداکثر 22 شب نقل کرده‏اند وليکن‏مشهور اين است که آن حضرت از روز دوشنبه تا روز جمعه در آن محل ماندند ودر آن مدّت مسجد قبا را که از مساجد شريف و داراي فضيلت است بنا نهادند. درحديث آمده است که يک نماز در آن معادل يک عمره است.[1]

بناي مسجد نبوي:

نخستين اقدام پيامبرصلي الله عليه وآله در مدينه، ساختن مسجد و مرکز عبادت و نمازبود. البته در آن هنگام مسجد مرکز فرهنگي، سياسي و اداري نيز به شمارمي‏آمد وليکن مهم‏ترين نقش مسجد مرکزيت بخشي به عبادت مسلمانان درزميني پاک و مطهّر بود. محيطي که انسان ناپاک نبايد وارد آن شود و بايست فضاو زمينش از هرگونه پليدي مصون بماند.[2]

آن حضرت از هنگام ورود به مدينه بر اقامه نماز به ويژه نماز جماعت همت‏گماشت و نماز را در مکان‏هاي مختلف هر جا که وقت نماز مي‏رسيد به پامي‏داشت تا اين که زمين مناسب تهيه و مسجد به صورت ساده و با ديواره‏هايي ازسنگ و خشت ساخته شد. حضرتش هر وقت در شهر مدينه بود نمازهاي‏پنج‏گانه را به جماعت در مسجد به جاي مي‏آورد و هنگامي که در سفر بودجانشيني براي خود معين مي‏فرمود.

بدين‏گونه مي‏بينيم که حضرت رسول اکرم‏صلي الله عليه وآله علاوه بر تلاوت آيات متعددقرآن درباره نماز و سفارشات مؤکد و توصيه‏هاي فراوان براي اقامه آن در طليعه وبرگزاري نماز مسلمانان بنا کرد و خود در آن نماز خواند و در مسير خود از قُبا به‏مدينه در محلّه «بني‏سالم بن عوف» که روز جمعه بوده نماز جمعه را با مسلمانان‏که صد نفر بودند اقامه و بر ايشان خطبه خواند[3] و سپس در اولين فرصت‏مسجدالنبي را در شهر يثرب بنا نهاد.1 . البداية النهايه، ابن‏کثير دمشقي، چاپ اول، 1405 ه.، دارالکتب العلميه، بيروت، 207/3 و208.2 . آثار اسلامي مکه و مدينه (ويرايش دوم3 . السيرة النبويّة، زيني دحلان، داراحياء التراث العربي، بيروت، 1416 ه.ق، 274/1.

نماز در حکومت علو

در يکي از روزهاي جنگ صفين به هنگام نيمروز اميرالمؤمنين‏عليه السلام درحالي که به شدّت درگير نبرد بود چشم به سوي آسمان داشت؛ ابن‏عباس‏پرسيد: اي اميرمؤمنان چه مي‏کني؟

فرمود: به آفتاب مي‏نگرم تا اگر نيمروز شده نماز بخوانيم.

ابن‏عباس گفت: آيا اکنون وقت نماز است؟! ما مشغول نبرديم که ما را از بجاي‏آوردن نماز باز مي‏دارد.

علي‏عليه السلام فرمود: براي چه با آن‏ها مي‏جنگيم؟ ما جز براي نماز با آن‏ها سرجنگ داريم؟! از اين‏رو حضرت اميرالمؤمنين‏عليه السلام نه تنها نماز اول وقت را بلکه‏هرگز نماز شب را ترک نکرد؛ حتّي در ليلة الهرير که سخت‏ترين مراحل صفين بودو جنگ به هنگام شب نيز به شدت ادامه داشت.[1]

اين قطعه زيباي تاريخ، تفسير عملي آيه شريفه «الذين إن مکّناهم في‏الارض أقامُوا الصلاة...» و نشانگر تفاوت حکومت صالحان با ستمگران است که‏هدفي جز سلطه و رياست ندارند و چون به حکومت بر سند سر از طاعت حق‏برمي‏تابند و مردم را به جاي بندگي خدا به بردگي خود فرا مي‏خوانند. امّااميرالمؤمنين‏عليه السلام نه تنها خود براي نماز چنين اهميت قائل است بلکه‏کارگزارانش را به تأکيد به مراعات نماز و وقت آن فرمان مي‏دهد. آن حضرت درنامه خود به محمدبن ابي‏بکر نوشته است:

«نماز را به هنگام آن به جاي آور و به جهت فراغت، پيش از وقت به هر عمل وکردار تو پيرو نماز توست. ]اگر نماز را نيکو به جاي آوري کارهاي ديگر را نيکو کني وهرگاه آن را ضايع ساختي غير آن را نيز تباه گرداني[2]]

و در عهدنامه مالک اشتر علاوه بر سفارش کلّي در آغاز خطبه به اقامه فرائض‏و سنّت‏ها درباره نماز و عبادت تأکيد بخصوص دارد:

«بهترين و برگزيده‏ترين اوقات خود را به آنچه مابين تو و خداست قرار ده. اگرچه‏همه کارهاي تو در صورتي که نيت شايسته داشته باشي و رعيت از آن در آسايش‏باشند عبادت محسوب مي‏شود وليکن در ميان همه اين تلاش‏هاي خالصانه، برپايي‏وظايفي را که مخصوص خداوند است (يعني نماز و عبادت را) در اولويت ويژه‏قرار ده و در شب و روزت از جسم خود مايه بگذار و به آنچه تو را به خدا نزديک‏مي‏کند وفا کن و کوشش نما که بدون نقص و عيب به جا آوري و هنگامي که نماز را بامردم به جا مي‏آوري نه با طول دادن مردم را رنجيده و خسته کن و نه در اثر تعجيل‏نماز را تباه گردان. زيرا در ميان مردم رنجور، ناتوان، حاجتمند و کاردار هست. ازرسول خداصلي الله عليه وآله هنگامي که مرا به سوي يمن فرستاد پرسيدم چگونه با ايشان نمازبخوانم؟ فرمود: با آن‏ها چون نماز ناتوان‏ترينشان نماز گزار و به مؤمنان مهربان‏باش».[3]

يادآوري: با وجود اين همه تأکيد در آيات و سيره و گفتار پيشوايان دين،شايسته نبود مجلس شوراي اسلامي به خاطر ادامه بحث درباره استيضاح يک‏وزير، نماز را به طور رسمي از اول وقت آن با رأي‏گيري تأخير بيندازد. اميد است‏چنين کاري هرگز تکرار نشود چرا که کُلُّ شَي‏ءٍ مِنْ عَجْلِکَ تَبَعٌ لِصَلاتِکَ.[4]1 . بحارالانوار، چاپ ايران، 23/83.2 . نهج البلاغه، ترجمه فيض الاسلام، نامه 27.3 . همان، نامه 52.4 . نهج البلاغه، ترجمه فيض الاسلام، نامه 27.

تباه ساختن نماز در حکومت دشمنان ولاي

هنگامي که دشمنان اهل‏بيت به قدرت رسيدند نماز را تباه ساخته، حدود وشرايط آن را مراعات نکردند. روز چهارشنبه نماز جمعه به جاي آورده،[1] درحال مستي نماز صبح را چهار رکعت گزارده، به جاي قنوت شعر عاشقانه‏خواندند.[2]

معاويه که در پيمان صلح با امام حسن‏عليه السلام شروط آن حضرت را پذيرفته و به‏انجام آن‏ها متعهد گرديد و سوگند ياد کرد که به آن شرطها وفا کند. پس ازبرقراري آتش‏بس ضمن خطبه‏اي که در نخيله (اردوگاه شهر کوفه) براي‏مردم خواند چنين گفت:

«به خدا سوگند من با شما نبرد و کارزار نکردم تا نماز بخوانيد، روزه بگيرد يا حج‏به جا آوريد و زکات پرداخت کنيد. اين کارها را خود انجام مي‏دهيد. بلکه هدف من‏اين بود که بر شما مسلّط شوم و فرمانروايي پيدا کنم و اين را خدا به من عطا کرد درحالي که شما خوش نداشتيد. همانا من ]امام‏[ حسن را اميدوار کرده و وعده‏هايي به‏او دادم. اکنون همه آن‏ها زير پاي من است، به هيچ کدام وفا نخواهم کرد».[3]

نياز به برهان و گفت‏وگو نيست، آن که در بحبوحه جنگ مراقب اوّل وقت نمازاست و هدف خود را از نبرد برپايي نماز مي‏داند و آن که با نماز کاري ندارد ومنظور خويش از کارزار را سلطه‏جويي معرفي مي‏کند، کدام صالحند و کدام درمسير گمراهي؟!1 . مروج الذهب، مسعودي، چاپ اوّل، دارالاندلس بيروت، 32/3.2 . همان، 335/2؛ شرح نهج البلاغه ابن ابي‏الحديد، داراحياء التراث العربي، بيروت، 1387ه.، 230/17.3 . بحارالانوار، 49/44.

نماز در حکومت اهل‏بيت و عصر ظهو

در حديث آمده است افرادي از روي اعتراض به حضرت پيامبرصلي الله عليه وآله گفتند:بعد از شما ولايت امر با چه کسي است؟ اگر شخصي از اهل‏بيت شما باشد ما ازاهل‏بيت شما نسبت به جان خود بيمناکيم؛ امّا اگر اين امر به غير آن‏ها برسدشايد نسبت رسول خدا غضبناک شد و بعد از سخناني فرمود:

«سوگند به خدا! اگر خداوند آن‏ها را در روي زمين توانايي دهد نماز را به وقتش‏برپا مي‏دارند و زکات را در مورد خودش پرداخت مي‏کنند و به کارهاي پسنديده فرامي‏خوانند و از زشتي‏ها باز مي‏دارند. همانا خداوند دماغ افرادي را که مرا و اهل‏بيت وذريّه مرا دشمن مي‏دارند، به خاک خواهد ماليد و در همين رابطه بود که آيه شريفه‏الذين إن مکنّاهم في الارض أقاموا الصلاة... نازل گرديد».[1]

در چند روايت ديگر نيز آمده است منظور از اشخاصي که در آيه فرموده که‏چون در زمين قدرت و مکنت پيدا کنند نماز را به پا مي‏دارند... اهل‏بيت پيامبر به‏ويژه حضرت مهدي (عجل‏اللَّه تعالي فرجه) و اصحاب او هستند.

از امام باقرعليه السلام روايت شده که فرمود:

«اين آيه مربوط به آل محمد9 مهدي و اصحاب اوست که خداوند شرق و غرب کره‏زمين را در اختيار ايشان قرار مي‏دهد و دين آشکار مي‏شود و خداوند به وسيله آن‏حضرت و يارانش بدعت‏ها و باطل را نابود مي‏کند آن چنان که اثري از ستم باقي‏نماند».[2]

و از جمله کارهاي اوليّه حضرت وليّ‏عصر(عج) هنگام استقرار درمرکز حکومتش که شهر کوفه مي‏باشد بناي مسجد بسيار بزرگي در پشت آن‏شهر است. مردم تقاضا مي‏کنند که نماز جمعه را به امامت حضرتش اقامه کنند.چون مساجد موجود گنجايش جمعيت را ندارد، حضرت دستور مي‏دهد نقشه‏مسجدي را در نجف پياده کنند، آن‏گاه در آنجا با مردم نماز را به جا مي‏آورد.[3]

مفضل‏بن عمر از امام صادق‏عليه السلام روايت کرده است:

«هنگامي که قائم آل محمّد9 قيام کند مسجدي در پشت کوفه (نجف) بنامي‏کند که داراي هزار در است و خانه‏هاي اهل کوفه در1 . تفسير کنز الدقائق، شيخ محمد قمي مشهدي، چاپ اوّل، وزارت ارشاد اسلامي، تهران،1411 ه.، 111/9.2 . همان، 112.3 . کشف الغمّة، محقق اربلي، چاپخانه علميه، قم، 1381 ه.، 253/3.

راز اهتمام به نماز در سيره صالحا

راز اين همه اهتمام به نماز، مسجد و محل عبادت در سيره پيشوايان دين‏چيست؟ چگونه است که ديگران وقتي به حکومت و قدرت مي‏رسند از خدا و يادخدا غافل مي‏شوند؟ بلکه دين و اعتقادات ديني، عبادت و نماز را کنار مي‏گذارندو يا سبک مي‏شمارند و يا در مقام مبارزه با اعتقادات و احکام دين برمي‏آيند. امّاصالحان وقتي توانايي و آزادي پيدا مي‏کنند، نماز و ياد خدا را زنده مي‏دارند وفقيران و مستضعفان را فراموش نمي‏کنند.

علت اين است که مؤمنان و مجاهدان با فطرت خداشناسي که دارند هدف ازخلقت را چنانکه قرآن بيان مي‏کند عبوديت و بندگي خدا مي‏دانند و مصداق‏روشن عبوديّت را در سجده و نماز مي‏يابند و در هر حالي به انجام آن همّت‏مي‏گمارند. از سوي ديگر چون پيشوايان راستين و پيروان آن‏ها قلبي خاشع‏دارند و از تکبّر و گردن‏فرازي دورند، به جاي آوردن و برپايي نماز براي آن‏ها نه‏تنها سنگين نيست بلکه روح‏انگيز و توأم با صفا و عشق است. زيرا با معبود خودسخن مي‏گويند.

امّا آنان که از روحيه تکبّر برخوردارند نماز و کرنش در برابر معبود برايشان بسيارسخت است.

«وَإِنَّهَا لَکَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَي الْخَاشِعِينَ» (بقره: 45)

و آن ]نماز[ جز براي فروتنان گران مي‏آيد.

از اين‏رو چون اين‏گونه افراد ناشايست بر سر کار مي‏آيند نماز را تباه‏مي‏سازند.

«فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلاَةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيّاً»

(مريم: 59)

ولي پس از آنان جانشينان ناشايستي بازماندند که نماز را تباه کردند و از هوس‏هاپيروي نمودند و زود است که با زيان و ذلّت رودررو شوند.

منظور از تباه کردن نماز فقط ترک و فروگذاشتن آن نيست بلکه سستي واهمال در انجام آن و اهميت ندادن به وقت و شرايطش ضايع کردن و تباه ساختن‏آن به شمار مي‏آيد.